



شش رنگ
6RANG

زخم‌های پنهان

تجربه خشونت بر جامعه اقلیت‌های جنسی و جنسیتی در ایران



 6rangiran

 6rang.iran

 6rangiran

 iran6rang



شبکه لزبین ها و ترنسجندرهای ایرانی

زخم‌های پنهان

تجربه خشونت بر جامعه اقلیت‌های جنسی و جنسیتی در ایران

شش‌رنگ (شبکه لزبین‌ها و ترنسجندرهای ایرانی) در سال ۲۰۱۰ با گردهم‌آیی عده‌ای از فعالین این حوزه از سراسر جهان تشکیل شد. هدف این تشکل ایجاد تغییر در فضای گفت‌وگویی موضوعات مربوط به گرایش جنسی، هویت جنسیتی و بیان جنسیتی بوده و با انتشار اخبار، ترجمه تغییر و تحولات جهانی در این حوزه و بازگویی تاریخ این جنبش‌ها چراغ راهنمای جنبش جوان‌ال‌جی‌بی‌تی در ایران باشد. شش‌رنگ تلاش کرده است با تمرکز بر معضلات موجود در جامعه ایران، ضمن جلب توجه متحدین جهانی مان، در داخل جامعه نیز به‌ویژه فضای حضور لزبین‌ها و ترنس‌ها را فراهم و آنرا گسترش دهد.

فرهنگ‌سازی، طرح مباحث تئوریک، انجام تحقیقات گوناگون و انتشار آنها به زبان‌های فارسی و انگلیسی، ارائه گزارشات گوناگون در مورد نقض حقوق اقلیت‌های جنسی و جنسیتی به نهادهای گوناگون سازمان ملل از فعالیت‌های شش‌رنگ بوده است.

از مجموعه تحقیقات شش‌رنگ می‌توان به کتاب جنسیت X، گزارشات آلت‌رناتیو در مورد درمان‌های اصلاحی و همچنین گزارشاتی در مورد نقض حق آزادی بیان و تشکل جامعه ال‌جی‌بی‌تی و همچنین گزارش در مورد نقض گسترده حقوق کودکان و افراد دارای معلولیت درون اقلیت‌های جنسی و جنسیتی، تهیه و انتشار گزارشاتی در مورد عمل‌های تغییر یا تطبیق جنسیت و روند تحمیلی انجام آنها، خشونت و تفریبات دولتی علیه همجنسگرایان و همچنین تاثیر بحران اپیدمی کرونا بر زندگی همجنسگرایان و ترنس‌ها با اتکا به ارتباطات و اعتماد جامعه وسیع درون ایران، به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های شش‌رنگ اشاره کرد.

شش‌رنگ عضو سازمان جهانی ای‌ل‌گ‌است.

WWW.6RANG.ORG
INFO@6RANG.ORG

📍 Grangiran
f Grang.iran
📺 Grangiran
📍 iran6rang



زخم‌های پنهان

تجربه خشونت بر جامعه اقلیت‌های جنسی و جنسیتی در ایران

مقدمه

به طور رایجی، افرادی که گرایش جنسی، هویت جنسیتی یا بیان جنسیتی آن‌ها با معیارهای دوگانه‌ی جنسیت (زنانگی - مردانگی) و هترونورماتیویتی (دگرجنسگرانه‌نجاری) مطابقت ندارد، در کسب پذیرش از سوی جامعه با دشواری زیادی مواجهند. در بسیاری نقاط دنیا افراد همجنسگرا، دوجنسگرا، ترنسجندر/سکشوال، کوئیر و بیناجنسی (اینترسکس) خشونت و تبعیض را تجربه می‌کنند.

این خشونت را می‌توان در دو دسته‌ی کلی طبقه‌بندی کرد: اول **خشونت ساختاری یا قانونی**، که به دلیل نقص قوانین حمایت‌گرانه یا وجود قوانین تبعیض آمیز یا جرم‌انگارانه، به واسطه‌ی نهادهای رسمی و دولتی به طور سیستماتیک (نظام‌مند) اعمال می‌شود.

خشونت ساختاری در نهادهایی مانند آموزش و پرورش، سیستم بهداشت و درمان یا سیستم قضایی، پیامد قوانین تبعیض آمیز علیه اقلیت‌های جنسی است. خشونت ساختاری به نوعی از خشونت اطلاق می‌شود که در آن ساختارها یا نهادهای اجتماعی در ارائه خدمات یا رفع نیازهای اساسی برخی گروه‌ها تبعیض رواداشته و این چنین به آن‌ها آسیب می‌رسانند. مفهوم خشونت ساختاری به روشی اطلاق می‌شود که طبق آن ساختارهای اجتماعی (مانند سیستم‌های سیاسی، پزشکی و قانونی) تأثیر منفی و نامتناسب بر زندگی و رفاه گروه‌های خاص دارند.

دوم، **خشونت اجتماعی**، که توسط افرادی اعمال می‌گردد که وابستگی به نهادهای قانونی و رسمی ندارند، اما در زندگی اجتماعی فرد، مهم تلقی می‌شوند. این نوع خشونت، توسط عاملان غیردولتی، در روابط بین فردی با اقلیت‌های جنسی، نسبت به آن‌ها اعمال می‌گردد (دایره‌المعارف تحولی کودک، ۲۰۱۲). مانند خشونتی که توسط اعضای خانواده، دوستان، همکاران، کارفرمایان، افراد غریبه در خیابان یا شریک جنسی و عاطفی فرد اعمال می‌شود. عاملان چنین خشونتی به پشتوانه قوانین جرم‌انگارانه روابط جنسی غیر دگرجنسگرایانه و عدم وجود قوانین حمایتی برای قربانیان چنین خشونتی جرات پیدا می‌کنند که اقلیت‌های جنسی را مورد تهدید و آزار قرار دهند.

هر دو دسته‌ی این خشونت‌ها شامل انواع کلامی، فیزیکی، جنسی، آزار روانی، محروم سازی و مانند آن است.

اقلیت‌های جنسی در محیط‌هایی مانند کار، تحصیل، خانواده و سیستم سلامت در معرض انگ‌زنی، قلدری و تبعیض گسترده هستند. خشونت ساختاری و اجتماعی در همه جای دنیا علیه اقلیت‌ها موضوعیت دارد. به طور مثال، دسترسی نابرابر به حقوقی مانند آموزش و

بهداشت به دلیل گرایش جنسی، هویت و بیان جنسیتی، کمابیش یک معضل شایع در تمامی نقاط دنیاست. با این وجود، برای کسانی که در کشورهایی مانند ایران زندگی می‌کنند، مساله به مراتب پیچیده تر است.

ایران یکی از هفتاد کشور عضو سازمان ملل است که در آن رابطه‌ی جنسی بین دو همجنس، جرم انگاری شده و غیرقانونی تلقی می‌شود. ایران همچنین یکی از شش کشور است که در آن، در صورت اثبات چنین رابطه‌ای، مجازات می‌تواند شامل تعقیب، شلاق و اعدام باشد (گزارش ایلگای جهانی؛ ۲۰۱۹).^۱

در چنین شرایطی، اقلیت‌های جنسی نه تنها در برابر خشونت از حمایت سیستم قضایی برخوردار نیستند بلکه سیستم قضایی، خود به عامل اصلی خشونت علیه آن‌ها بدل می‌شود که مستقیم (از طریق قوانین جرم انگارانه و تبعیض آمیز) یا غیر مستقیم (به واسطه نقص یا عدم وجود قوانین حمایتی) چنین سرکوبی را تقویت کرده و سازمان می‌دهد.

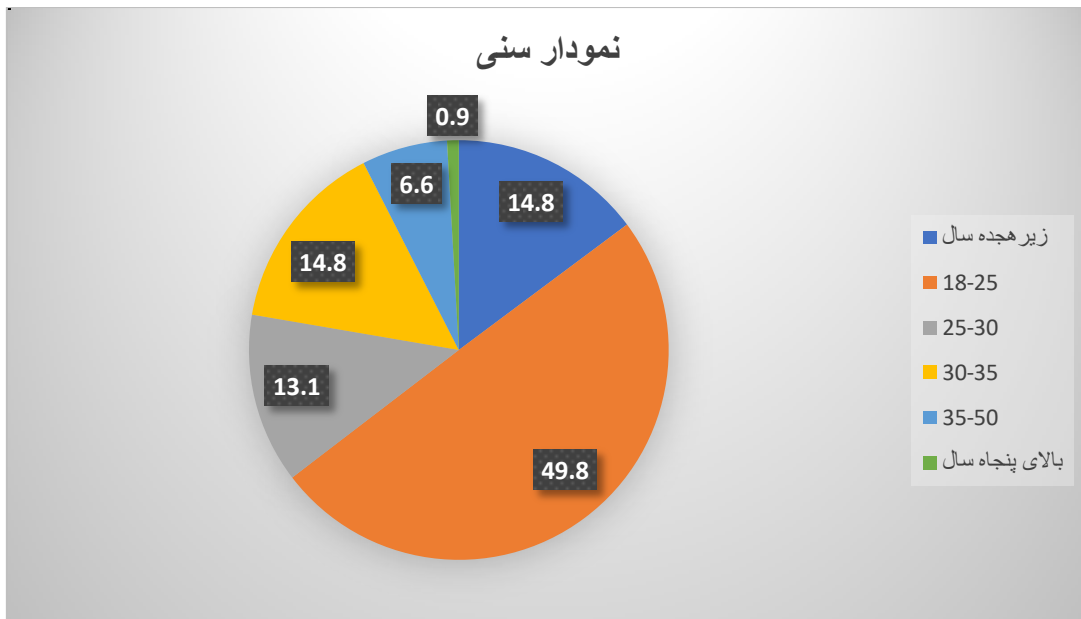
به منظور فهم بهتر این وضعیت و تلاش برای تغییر در آن، شش‌رنگ در سال ۲۰۱۹ تا ژانویه ۲۰۲۰ یک پژوهش زمینه‌یابی آنلاین را در سطح شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد تا شیوع انواع مختلف خشونت و عاملان آن را در جامعه اقلیت‌های جنسی ایرانی مورد ارزیابی قرار دهد.

شش‌رنگ براساس روایت‌های مخاطبان خود در شبکه‌های اجتماعی، مانند نظرسنجی‌های اینستاگرام، پرسشنامه‌ای را طراحی کرد تا شرکت‌کنندگان از طریق آن تجربه خود در مورد انواع مختلف خشونت، از صدمات جسمی شدید گرفته تا اشکال غیرمستقیم یا ضمنی خشونت مانند کنترل ناعادلانه، محرومیت مالی و تهدیدهای کلامی رابه اشتراک بگذارند. در این پرسشنامه همچنین محیط‌هایی که این خشونت‌ها در آن‌ها رخ می‌دهد (از قبیل محیط کار، آموزش، فضاهای عمومی، خانواده و سیستم حقوقی و سلامت) نیز مورد مطالعه قرار گرفتند. پرسشنامه در شبکه‌های اجتماعی شش‌رنگ منتشر شد و اکثریت پاسخ‌دهندگان اقلیت‌های جنسی ساکن ایران بودند. در مجموع ۲۳۰ پاسخ دریافت شد. نتایج این زمینه‌یابی در ادامه آمده است.

توزیع سنی

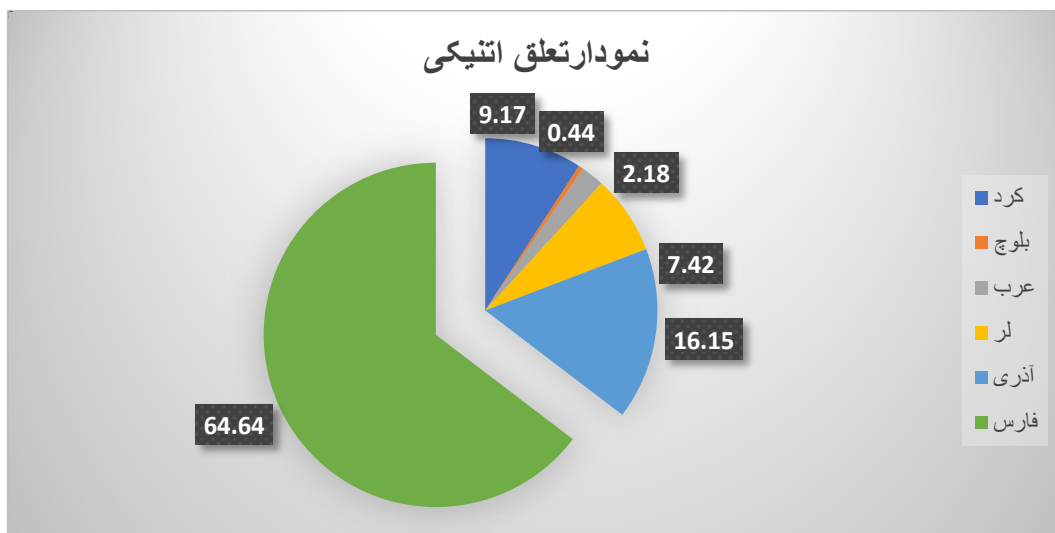
همانطور که نمودار زیر نشان می‌دهد، تقریباً نیمی از پاسخ‌دهندگان بین ۱۸ تا ۲۵ سال سن داشتند. پس از آن افراد ۲۵ تا ۳۵ ساله بیشترین فراوانی را در میان پاسخ‌دهندگان داشتند (تقریباً ۳۰ درصد). باقی پاسخ‌دهندگان (تقریباً ۱۵ درصد) بیشتر از ۳۵ سال سن داشتند.

^۱ در ۴۴ کشور از این هفتاد کشور، قانون برای همه بدون در نظر گرفتن جنسیت آن‌ها اعمال می‌شود. مجازات اعدام برای اعمال جنسی همجنس‌گرایانه در شش کشور عضو سازمان ملل متحد اعمال می‌شود. در چهار مورد از آن‌ها (ایران، عربستان سعودی، یمن، سودان) در سطح کشوری قانون اعمال می‌شود. در حالی که در دو کشور (سومالی، نیجریه) فقط در استان‌های خاص قانون اجرا می‌شود. پنج کشور دیگر (پاکستان، افغانستان، امارات متحده عربی، قطر و موریتانی) وجود دارند که چنین مجازاتی در آن‌ها تحت شرایطی ممکن است.



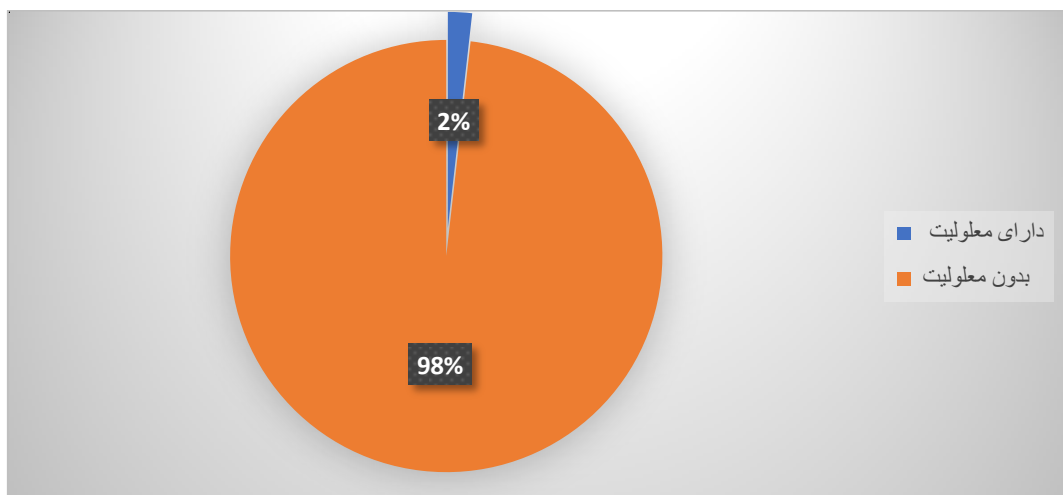
توزیع براساس تعلق اثنیکی

تقریباً ۳۵ درصد (۷۶ نفر از ۲۳۰ نفر) از پاسخ‌دهندگان عضو یک گروه اقلیت ملی یا اثنیکی بودند. حدود ۶۵ درصد از پاسخ‌دهندگان خود را به عنوان فارس هویت‌یابی کردند که بزرگترین گروه اثنیکی در کشور ایران است. نزدیک به ۱۷ درصد یعنی حدود ۴۰ نفر خود را آذری هویت‌یابی کرده و نزدیک به ۱۰ درصد یعنی حدود ۲۳ نفر خود را کُرد هویت‌یابی کرده و بقیه متعلق به گروه اثنیکی عرب، لُر و بلوچ بوده‌اند.



توزیع براساس معلولیت

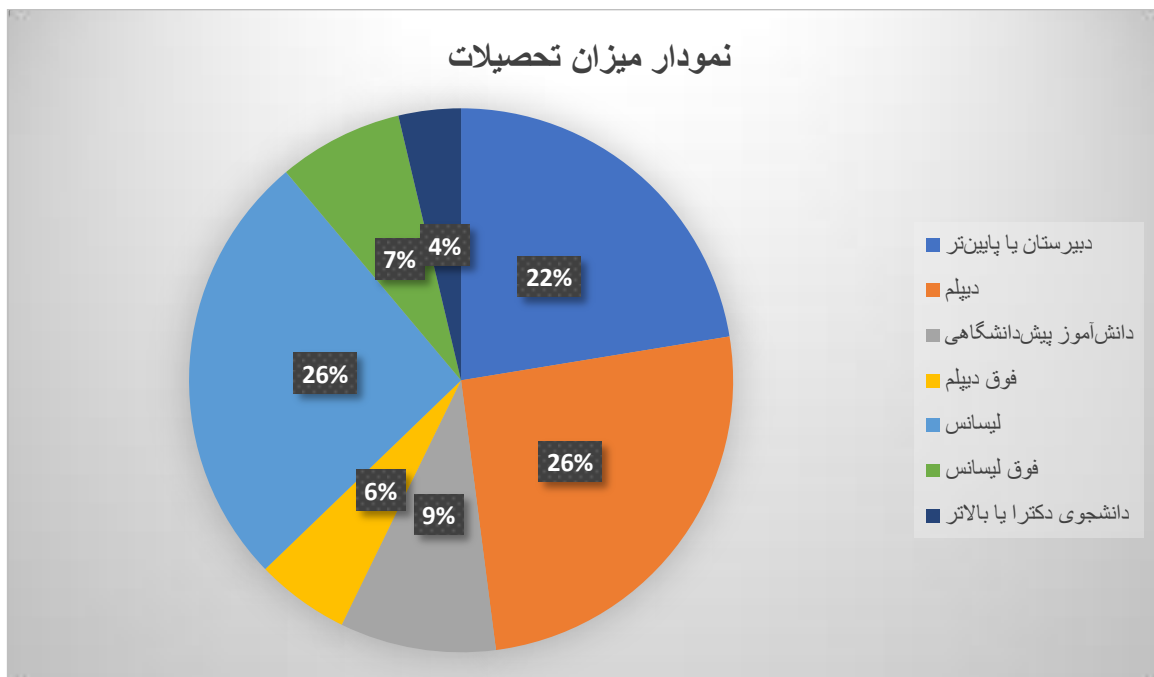
اقلیت‌های جنسی دارای معلولیت عمدتاً نامرئی هستند. این گروه تبعیض چندلایه‌ای را تجربه می‌کنند. یعنی هم به واسطه معلولیت‌شان و هم به واسطه گرایش جنسی یا هویت و یا بیان جنسیتی خود به حاشیه رانده می‌شوند. البته در بسیاری موارد این تنها لایه‌های تبعیض برای آنها نیست بلکه ممکن است به علت تعلق اتنیکی خود و یا تعلق طبقاتی خود نیز انواع ستم را تجربه کنند. به همین دلیل این افراد در برابر خشونت و فشارهای روانی آسیب پذیرترند. نیازها و چالش‌های آنها اغلب تحت الشعاع شرایط معلولیت‌شان قرار می‌گیرد و به دو دلیل بیشتر ممکن است هدف خشونت واقع شوند: اول این که عمدتاً موقعیت‌های مناسب برای کار و تحصیل برایشان فراهم نیست. دوم این که به دلیل شرایط ویژه جسمانی یا روانی‌شان، فاقد استقلال و تحرک لازم بوده و به خانواده و مراقبان‌شان وابسته هستند. این دو عامل، موقعیت آن‌ها را در مقابله با خشونت به طور منفی تحت تاثیر قرار می‌دهد. لذا در صورت فرارگرفتن در معرض خشونت، آن‌ها امکانات محدودتری دارند که به واسطه‌ی آن از مناسبات خشونت‌بار اجتناب کنند. طبق نتایج این زمینه‌یابی، چهارنفر از ۲۳۰ پاسخ‌دهنده، نوعی از معلولیت را گزارش دادند.



توزیع براساس میزان تحصیلات

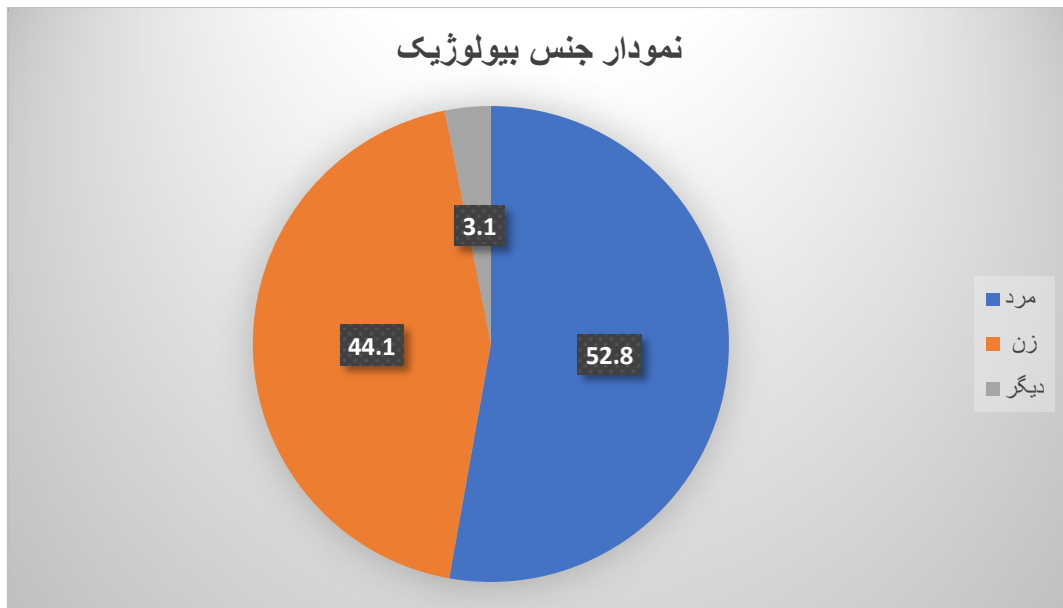
نمودار زیر سطح تحصیلات پاسخ‌دهندگان را نشان می‌دهد. براساس این آمار، تنها کمتر از ۲۲ درصد آنها یعنی حدود ۴۹ نفر دانش‌آموز دبیرستان یا دبستان هستند که دلیل آن می‌تواند سن پاسخ‌دهنده نیز باشد. چرا که نزدیک به ۱۴ درصد پاسخ‌دهندگان زیر ۱۸ سال هستند و بیش از نیمی از آنها بین ۱۸ تا ۲۵ سال. در عین حال ۲۶ درصد پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات لیسانس و ۷ نفر از آنها دارای دکترا و یا در حال اخذ آن هستند. بیش از ۱۵ نفر آنها دارای فوق لیسانس در رشته‌های مختلف بوده و نزدیک به ۲۰ نفر نیز دانش‌آموز پیش‌دانشگاهی هستند.

این توزیع متنوع پاسخ‌دهندگان در عین حال نشان از گستردگی جامعه اقلیت‌های جنسی در بین اقشار و طبقات اجتماعی گوناگون نیز هست.



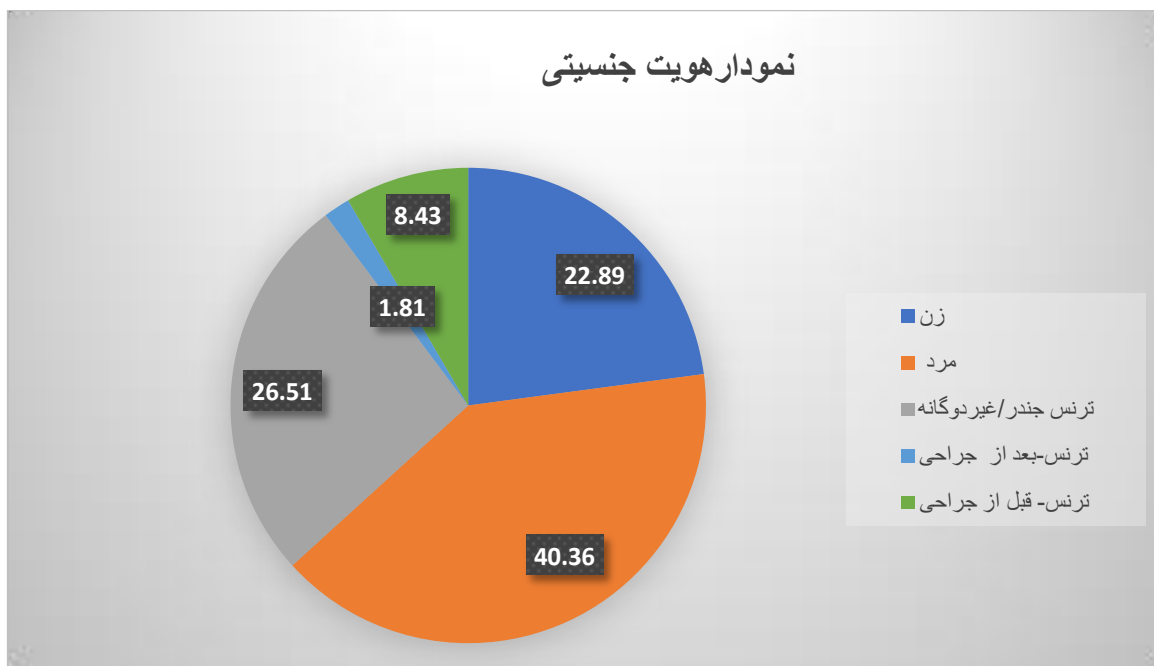
توزیع براساس جنس بیولوژیکی

از میان ۲۳۰ پاسخ‌دهنده، ۱۲۱ نفر آن‌ها از نظر بیولوژیکی مرد و ۱۰۹ نفر از نظر بیولوژیکی زن بودند. هفت نفر گزینه «دیگر» را برای توصیف جنس خود انتخاب کردند.



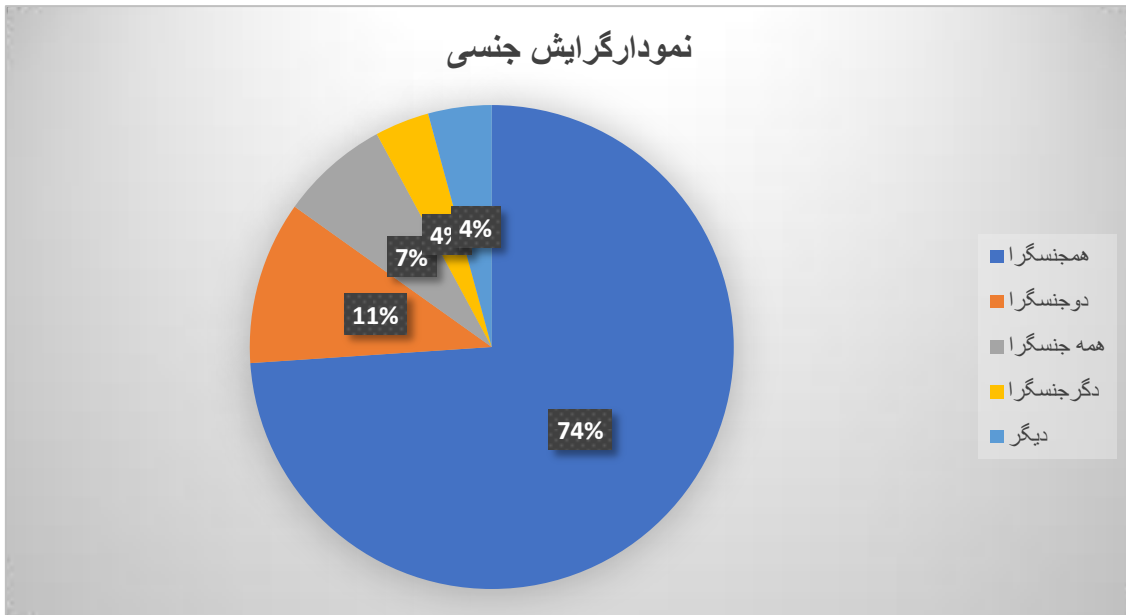
توزیع براساس هویت جنسیتی

تقریباً ۶۴ درصد از پاسخ دهندگان، خود را به عنوان زن یا مرد هویت یابی کردند. در حالی که ۳۶ درصد از آن‌ها خود را در این دوگانه جنسیتی تعریف نکردند.



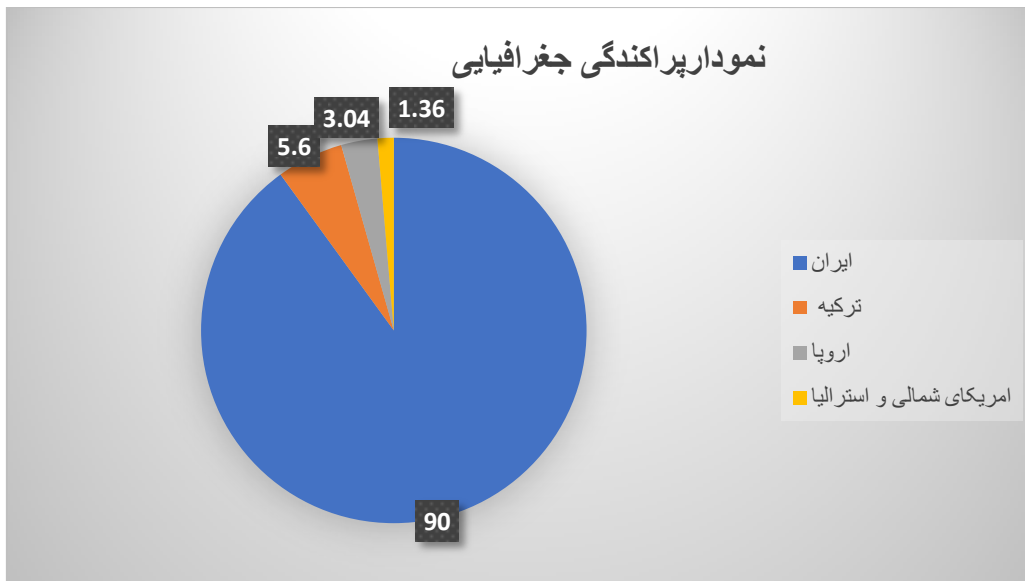
توزیع براساس گرایش جنسی

همجنس‌گرایی با ۷۴ درصد یعنی حدود ۱۷۱ نفر، فراوان‌ترین گرایش جنسی در بین پاسخ‌دهندگان بود. دوجنس‌گرایی و همه‌جنس‌گرایی در رده‌های بعدی قرار گرفتند. کسانی که خود را به عنوان دگرجنس‌گرا توصیف کرده‌اند، افراد ترنس‌جندر یا ترنس‌سکشوالی هستند که تمایل به جنس مخالف دارند اما به دلیل هویت جنسیتی‌شان همچنان به جامعه اقلیت‌های جنسی تعلق دارند.



پراکندگی جغرافیایی

۹۰ درصد پاسخ‌دهندگان یعنی بیش از ۲۰۰ نفر از ۳۹ شهر مختلف ایران، مخاطبان رسانه‌های اجتماعی شش‌رنگ بودند که در این نظرسنجی شرکت کردند. تنها ۱۰ درصد آنها از خارج از ایران در این زمینه یابی مشارکت کردند. تنوع جغرافیایی پاسخ‌دهندگان در بررسی کنونی بی نظیر بوده و نشان از شور و اشتیاق جامعه اقلیت‌های جنسی ایرانی برای مشارکت و به اشتراک گذاری تجربیات‌شان دارد.



تحلیل توصیفی داده‌ها

همان‌گونه که ذکر شد، داده‌های به دست آمده از این بررسی در دو گروه خشونت ساختاری (قانونی) و خشونت اجتماعی طبقه بندی شد و مورد بررسی قرار گرفت.

خشونت ساختاری

در این بخش، خلاصه‌ی داده‌های مرتبط با خشونت اعمال شده بر اقلیت‌های جنسی توسط نهادهای دولتی با تمرکز بر سیستم قضایی، آموزش و پرورش و سیستم سلامت، گزارش شده توسط پاسخ دهندگان، به طور خلاصه آمده است. تحقیقات پیشین شش‌رنگ نیز نشان داده است که بخش‌های نام‌برده، از مهم‌ترین عوامل خشونت ساختاری به شمار می‌روند (جنسیت X، ۲۰۱۵). جدول زیر درصد فراوانی خشونت در هر بخش را بر اساس پاسخ‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد.

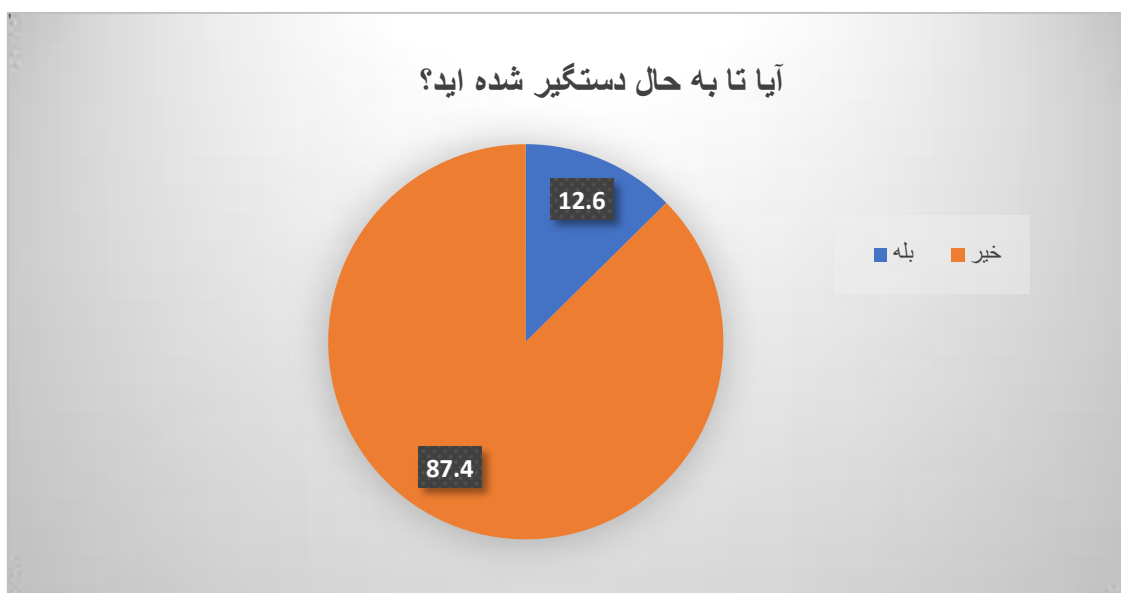
تعداد افرادی که خشونت از سوی نهاد مربوطه را تجربه کرده‌اند	درصد	عامل خشونت
۴۵	۱۹٫۶	سیستم قضایی
۱۰۷	۴۶٫۵	آموزش و پرورش
۴۳	۱۸٫۷	سیستم سلامت

خشونت در سیستم قضایی سیستم قضایی اصلی‌ترین عامل خشونت علیه اقلیت‌های جنسی در جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. تعجب‌آور نیست که ۱۹٫۶ درصد از پاسخ‌دهندگان یعنی نزدیک به ۴۵ نفر، خشونت مستقیم اعمال شده توسط سیستم قضایی را گزارش کرده‌اند. آن‌ها غالباً از رفتارهای تحقیرآمیز یا خشونت جسمی توسط پلیس عمومی، پلیس امنیت یا گشت ارشاد (پلیس اخلاقی) به دلایلی مانند بیان جنسیتی متفاوت، نقض هنجارهای دوگانه‌ی پوشش، حجاب ناکافی (پوشش سر) یا شرکت در مجالس و مهمانی‌ها گزارش داده‌اند. ۱۲٫۶ درصد (۲۹ نفر) گزارش دادند که به دلیل هویت جنسیتی، گرایش جنسی یا بیان جنسیتی‌شان توسط پلیس دستگیر شده‌اند. روایت‌هایی از قبیل درخواست رابطه جنسی به عنوان رشوه توسط پلیس یا قاضی نیز توسط چندین شرکت‌کننده گزارش شده است. ۶۸ درصد (۱۶۱ نفر) از شرکت‌کنندگان اظهار داشتند که هرگز در مقابله با خشونت از نهادهای قانونی کمک نمی‌گیرند یا به ندرت در مواجهه با خشونت از سیستم قانونی کمک می‌گیرند که این امر به وضوح نشانگر عدم اطمینان و اعتماد این جامعه به سیستم قضایی است.

روایت‌های شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد که تعداد واقعی دستگیری‌ها و خشونت توسط نهاد قضایی احتمالاً بیشتر از آنی است که گزارش شده است. چندین شرکت‌کننده اظهار داشتند که از پاسخ دادن به این سوال می‌ترسند. تعدادی از پاسخ‌دهندگان، حتی افرادی که تجربه آزار و اذیت پلیس را نداشتند، از ترس دائمی‌شان از دستگیری توسط پلیس خبر دادند. در ادامه چندین نمونه از روایات آن‌ها را آورده‌ایم. اطلاعات و نام‌هایی که ممکن است منجر به شناسایی افراد شود در تمامی روایات این گزارش، برای حفظ حریم خصوصی پاسخ‌دهندگان، حذف شده یا تغییر یافته است:

- بارها به دلیل پوشش (عدم تطابق آن با جنس بیولوژیک فرد) دستگیر شده و مورد تحقیر قرار گرفتم.
- با دوست پسر من توی ماشین بودیم که ما را گرفتند و پرسیدند که دوپسرها این همه اختلاف سنی ساعت نه و نیم شب چه می‌کنید. بعد ما را به کلانتری بردند و به والدین ما خبر دادند و من دیگر نتوانستم دوست پسر را ببینم.
- به خاطر بیان جنسیتی توسط فامیل به پلیس تحویل داده شدم.
- با پارتنرم در خانه ای که اجاره کرده بودیم دستگیر شدیم و البته بیشتر شبیه حمله بود تا دستگیری افرادی که کاملاً تسلیم بودند.
- من چهار بار به دلیل ظاهر و ترنس بودن توسط وزرا و گشت ارشاد دستگیر شدم حتی شلاق هم خوردم.

- چندین بار به خاطر مزاحمت و دستمالی بعضی از افراد در مترو به پلیس مترو شکایت کردم؛ منتها فقط به خاطر این که به یکی از گوش هایم گوشواره آویز کرده بودم، ازم پرسیدند چرا این مدلی هستی - یعنی مثل دخترها - من هم گفتم من ترنس هستم. بعد که این را گفتم می خواستند با من رابطه داشته باشند و اذیت کردند ، اما من قبول نکردم به همین بهانه مرا بازداشت کردند و چند روز بعد به دادگاه و پزشکی قانونی فرستادند . مرا مداوم تهدید کردند که اگر کسی متوجه شود من با مردی رابطه جنسی داشته ام، اعدام می کنند. خلاصه این که بعد از دو هفته آزاد شدم؛ حتی خانواده ام اطلاعی ازم نداشتند!
- در محیط کار بعد از سرقت و افشای اطلاعات شخصی من و پارتنرم، مجبور به استعفا شدیم و همینطور باید از سمت کارفرما به مراجع انتظامی معرفی می شدیم که با وساطت برخی از اطرافیان از این موضوع صرف نظر کردند.



گفتنی است ، ۱۹،۶ درصد (۴۵ نفر) فقط بیانگر خشونت مستقیمی است که توسط سیستم قضایی به پاسخ دهندگان تحمیل شده است. در حالی که سیستم قضایی به طور غیرمستقیم نیز مسئول اصلی سایر اشکال خشونت علیه جامعه اقلیت های جنسی است. اقلیت های جنسی در ایران به طور روزمره با تهدیدهای دائمی ، توهین ، آزار و اذیت ، باج خواهی و سوء استفاده توسط عواملان غیردولتی ای مواجهند که مصونیت شان از مجازات، آن ها را در برابر این جمعیت بی دفاع، جری تر می سازد. با توجه به قوانین جرم انگارانه و تبعیض آمیز ، شرکت کننده ای که اظهار می دارد به دلیل بیان جنسیتی متفاوت توسط خانواده خودش به پلیس تحویل داده شده، یا زوج همجنسی که به دلیل آشکار شدن رابطه شان مجبور به استعفا و ترک شغل خود شده اند چراکه از سوی کارفرما تهدید شده بودند که به پلیس تحویل داده می شوند، نمونه هایی هستند که در واقع به طور غیرمستقیم قربانیان سیستم قضایی سرکوب گر، ناکارآمد و ناهمایت گر هستند.

فراوانی (به درصد)				نوع خشونت در سیستم قضایی
به ندرت	گاهی	اغلب	همیشه	
۱۵,۶۵	۸,۶۹	۴,۳۴	۰	خشونت فیزیکی و کلامی
۷,۸۲	۳,۴۷	۱,۷۳	۰	خشونت جنسی

خشونت در سیستم آموزش و پرورش

براساس نتایج این بررسی، ۱۰۷ نفر از ۲۳۰ پاسخ‌دهنده از خشونت در محیط تحصیل گزارش داده‌اند. این بدان معنی است که تقریباً نیمی از پاسخ‌دهندگان خشونت در مدرسه یا دانشگاه را تجربه کرده‌اند. ۱۸ درصد (۴۱ نفر) از آن‌ها از تجربه مداوم توهین از سوی مسئولان آموزشی خبر دادند.

فراوانی (به درصد)				نوع خشونت در محیط آموزشی
به ندرت	گاهی	اغلب	همیشه	
۲۵	۱۵	۵,۲۱	۲,۱۷	خشونت فیزیکی
۳۲	۲۷	۱۱,۷۳	۵,۶۲	خشونت کلامی
۱۰,۴۳	۳,۴۷	۱,۳۰	۰	خشونت جنسی

خشونت در مدرسه و دانشگاه، یکی از بارزترین اشکال خشونت علیه جامعه اقلیت‌های جنسی است. خشونت در محیط تحصیل می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد، از خشونت جسمی گرفته تا خشونت کلامی، روانی یا حتی جنسی که اغلب با اعمال زورگویی ارباب و قلدری توسط همکلاسی‌ها، مربیان یا سایر کارکنان مدرسه اعمال می‌شود. خشونت و آزار جنسی در آموزش و پرورش، در کشورهایی که اقلیت‌های جنسی را از نظر قانونی به رسمیت نمی‌شناسند یا زیست آن‌ها خلاف هنجارهای اجتماعی - مذهبی تلقی می‌شود، شایع‌تر است. زیرا از یک طرف، قربانیان، از شکستن سکوت خود یا درخواست کمک ترس یا شرم دارند و از سوی دیگر، قانون، نه

تنها از قربانیان محافظت یا حمایت نمی کند، بلکه در نتیجه چنین شرایطی هیچ‌گونه اثر بازدارنده‌ای نیز بر رفتار مرتکبان خشونت جنسی ندارد.

در ادامه تعدادی از روایت‌های قربانیان خشونت در محیط تحصیلی آمده است:

- در مدرسه چند بار به اتاق مدیر دعوت و به مشاور معرفی شدم و به خاطر تیپ و مدل موهای کوتاهم تهدید به اخراج می‌شدم.
- یکی از معلم‌ها به من گفت اگر نمره قبولی می‌خواهم باید با او سکس داشته باشم!
- به دلیل علاقه عاطفی یکی از همجنسانم به من در دبیرستان، مورد مواخذه قرار گرفتم. با وجودی که علاقه‌ای به او نداشتم، به طور موقت از مدرسه اخراج شدم. به من گفته شد مدل موهای کوتاه من «پسرانه» است و دخترها را جذب من می‌کند.
- به خاطر علاقه به همجنس، بعد از احضار و محاکمه در حراست دانشگاه، از خوابگاه اخراج شدم. نتیجه این اخراج، بعدها در گزینش استخدامی برای کار در یک نهاد دولتی، تاثیرگذار شد.
- ناظم مدرسه به والدین دوست صمیمی من گفته بود که «این دوجنسه است». آنها هم دیگر اجازه ندادند فرزندشان با من معاشرت کند.
- در مدرسه به من می‌گفتند بیمار جنسی.

خشونت در سیستم سلامت

اقلیت‌های جنسی در ایران، تبعیض در زمینه‌ی مراقبت‌های بهداشتی از جمله عدم آگاهی و عدم حساسیت کارکنان، هموفوبیا و ترنس‌فوبیا، انگ زنی، اظهارنظرهای منفی، آزار و اذیت، محرومیت از معالجه مناسب و آزار کلامی یا جنسی را تجربه می‌کنند. درمان اصلاحی یا تبدیلی یک روش معمول در بین متخصصان بهداشت روان در ایران است که توسط نظام سیستم آموزش پزشکی به صورت سیستماتیک مورد توصیه و حمایت قرار می‌گیرد. افراد ترنس به طور خاص در این زمینه آسیب‌پذیر هستند؛ زیرا نیاز به مراقبت‌های پزشکی ویژه مانند هورمون-درمانی به طور مداوم دارند. در بررسی کنونی، ۱۸/۷ درصد (۴۲ نفر) از پاسخ‌دهندگان گزارش کردند که توسط متخصصان سلامت، متحمل خشونت شده‌اند. ۶۶ درصد از آنها اظهار داشتند که هرگز یا به ندرت از متخصصان بهداشت روانی برای مقابله با خشونت‌های تجربه شده خود، طلب کمک می‌کنند. شش‌رنگ در سال ۱۳۹۶، گزارشی جامع مبتنی بر یک پژوهش و براساس

شواهد مراجعه کنندگان ، درباره خشونت و تبعیض در سیستم بهداشت و درمان در ایران با تمرکز بر رفتار متخصصان سلامت روان، مانند روانشناسان و روانپزشکان، ارائه داده است.^۲

فراوانی					چقدر ممکن است برای مواجهه با تجارب خشونت بار از متخصصانی مانند روانشناس و مشاور و روانپزشک کمک بگیرید؟
هرگز	به ندرت	گاهی	اغلب	همیشه	
۸۵	۶۶	۳۲	۲۶	۲۳	تعداد پاسخ دهندگان
۳۶,۹۵	۲۸,۶۹	۱۳,۹۱	۱۱,۳۰	۱۰	درصد پاسخ دهندگان

خشونت اجتماعی

خشونت اجتماعی می تواند به عنوان هر نوع خشونت ضمنی یا صریح (پنهان و آشکار) اعمال شده توسط افراد (عاملان غیردولتی) در تعاملات روزمره اجتماعی تعریف شود. جدول زیر داده های خلاصه شده بر اساس گزارش شرکت کنندگان در زمینه یابی شش رنگ را نمایش می دهد:

عامل خشونت	درصد	فراوانی (تعداد پاسخ گوینان)
شریک عشقی	۲۰,۹	۴۸
خانواده درجه یک	۶۲,۲	۱۴۳
دوستان و همکلاسی ها	۴۹,۱	۱۱۳
افراد فامیل	۳۷,۸	۸۷
هم تیمی های ورزشی	۸,۳	۱۹
افراد غریبه	۵۲,۲	۱۲۰
همکاران یا کارفرمایان	۲۳,۵	۵۴

تغییر همجنس گرایان از راه درمان های بی رحمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز در ایران افزایش یافته است ، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۷، قابل دسترسی در: <http://rang.org/6889>

خشونت خانگی علیه اقلیت های جنسی

خشونت خانگی عبارت است از رفتار خشونت آمیز و سلطه گرانه یک عضو خانواده علیه عضو یا اعضای دیگر همان خانواده. کنترل کردن رفت و آمدها، اجبار، ارباب، رفتارهای تهدید آمیز، توهین و تحقیر، کتک کاری، باج گیری عاطفی و سوء استفاده جنسی از اشکال رایج خشونت خانگی محسوب می شوند. خشونت خانگی می تواند شامل اعمال فشار و آزار روانشناختی، جسمی، جنسی، مالی و عاطفی باشد. خشونت خانگی علیه اقلیت های جنسی ممکن است توسط خانواده هسته ای یا شریک عاطفی آن ها اعمال شود. به دلیل ماهیت متفاوت این دو نوع خشونت، در دو بخش جداگانه آن ها را مورد بررسی قرار داده ایم:

الف) خشونت در خانواده هسته ای

همان طور که در جدول قبل توصیف شد، بیش از نیمی از پاسخ دهندگان (۶۲٫۲٪) خشونت اعضای خانواده هسته ای خود را گزارش داده اند. در جدول زیر فراوانی انواع خشونت ها در خانواده هسته ای خلاصه شده است.

فراوانی				انواع خشونت
به ندرت	گاهی	اغلب	همیشه	
۲۳,۹۱	۲۰	۱۳,۱۹	۶,۹۵	کلامی
۳۹,۱۳	۲۲,۱۷	۸,۶۹	۷,۸۲	فیزیکی
۳۰,۳۴	۲۳,۴۲	۶,۵۲	۶,۹۵	روانشناختی (توهین و تحقیر)
۱۶,۹۵	۱۰,۴۳	۱۰,۸۶	۳,۹۱	محرومیت مالی
۱۶,۹۵	۵,۶۵	۵,۲۱	۱,۳۰	جنسی
۳۶,۵۲	۲۴,۷۸	۲۰	۱۳,۰۴	غفلت (کار اجباری، عدم توجه و مراقبت)
۲۰,۸۶	۱۴,۷۴	۱۰,۸۶	۱۰	کنترل رفت و آمد و تماس های اجتماعی
۱۳,۴۷	۱۱,۷۳	۴,۷۸	۸,۶۹	تهدید و فشار برای ازدواج اجباری
۱۰	۶,۹۵	۲,۱۷	۴,۷	محرومیت از کار
۵,۶۵	۳,۹۱	۳,۴۷	۳,۹۱	محرومیت از تحصیل

تنها یک چهارم از پاسخ‌دهندگان خانواده خود را هنگامی که با تجربه‌های خشونت‌آمیز مواجه بودند، پشتیبان خود می‌دانستند، در حالی که ۵۳ درصد از آن‌ها خانواده خود را غیرقابل اتکا و ناهمایتگر توصیف کردند. ۲۶ درصد از پاسخ‌دهندگان تجربه مداوم خشونت در دوران کودکی را گزارش دادند. همچنین ۲۴٫۳۴ درصد از پاسخ‌دهندگان گزارش کردند که نسبت به خانواده خود احساس ناامنی می‌کنند. خشونت آبرومحور^۳ (مبتنی بر ناموس) و ازدواج اجباری، دو نوع خشونت رایج علیه اقلیت‌های جنسی در خانواده، به‌ویژه در جوامع مذهبی و سنتی است.

خشونت آبرومحور^۴ نوعی خشونت است که برای محافظت یا دفاع از آبرو، «ناموس»، اعتبار خانواده و یا طایفه ممکن است صورت گیرد. کشتن، تهدید به مرگ و یا وارد کردن صدمات جسمی بی‌رحمانه به فرد، توسط اعضای خانواده، نمونه‌هایی از خشونت آبرومحور است. در جوامع سنتی مردسالارمانند ایران، مردان همجنسگرا و زنان ترنس بیشتر در معرض خشونت آبرومحور قرار می‌گیرند، زیرا اعتقاد بر این است که آن‌ها نه تنها شهرت خانواده بلکه «مردانگی» را نیز لکه‌دار می‌کنند. چنین جرایمی اغلب به سیستم قضایی گزارش نمی‌شود. سیستم قضایی ترجیح می‌دهد سکوت کند یا از چنین خشونت‌هایی چشم‌پوشد زیرا اولیای دم، خودشان، عاملان اصلی جرم‌اند. بنابراین، به ندرت دادخواهی توسط مدعی‌العموم صورت می‌گیرد و اخبار این حوادث نیز به بیرون راه پیدا نمی‌کند. بعضی اوقات دوستان نزدیک قربانیان، موضوع را در رسانه‌های اجتماعی فاش می‌کنند. توصیفات آن‌ها، اغلب حاوی شواهدی است که نشان می‌دهد در حالی که فرد قربانی مدت‌ها توسط خانواده‌اش تهدید به مرگ می‌شده است؛ به یک‌باره خانواده ادعا کرده‌اند که او به علت تصادف، حمله قلبی، خودکشی یا مصرف بیش از حد مواد از دنیا رفته است. روشن است که وقتی درخواستی از سوی خانواده برای تحقیقات بیشتر وجود ندارد، طی شدن روند دادرسی به‌سختی امکان‌پذیر است.

ازدواج اجباری زمانی اتفاق می‌افتد که یک یا هر دو نفر رضی به ازدواج نیستند. با توجه به ساختار اجتماعی و قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان در ایران، افرادی که با بدن منتسب به زن متولد می‌شوند (زنان لژیین و دوجنسگرا، مردان ترنس) در برابر ازدواج اجباری آسیب‌پذیرتر هستند. ازدواج اجباری، غالباً توسط روحانیان و مبلغان مذهبی یا درمانگران تبدیلی به عنوان راه‌حلی برای «درمان» تمایلات همجنسگرایانه در ایران تبلیغ می‌گردد.

^۳ . Honour based violence

^۴ . Honour based violence

تقریباً ۲۶٪ از پاسخ‌دهندگان نظرسنجی شش‌رنگ، ازدواج اجباری را به عنوان نگرانی مداوم‌شان گزارش دادند. ازدواج اجباری به عنوان مصداق نقض جدی و شدید حقوق بشر شناخته می‌شود که می‌تواند به انواع مختلف خشونت مانند تجاوز به عنف، خشونت جنسی و به دام افتادن در روابط آسیب‌زا منجر شود.

در ادامه نمونه‌هایی از روایات شرکت‌کنندگان درباره تجربه خشونت خانوادگی آمده است:

- پدرم جویری به خاطر همجنس‌گرایی‌ام کتکم زد که لکتت زبان گرفتم و هنوز هم لکتت زبان همراهم است
- برادرم مرا تحقیر می‌کند و می‌گوید من مایه آبروریزی هستم. همیشه به من می‌گوید مثل دخترها رفتار نکن.
- خانواده من با من مثل بیمار رفتار می‌کنند و امیدوارند یک روز خوب بشوم.
- مادرم مرا مجبور کرد آزمایش بکارت بدهم.
- خانواده من نه تنها کتک می‌زنند و تحقیر می‌کنند بلکه نمی‌گذارند تا سرکوبچه یا دم در بروم. در خانه زندانی شده‌ام به جرم گئی بودن.
- خانواده من اجازه نمی‌دهند مدلی که دوست دارم لباس بپوشم یا موهایم را کوتاه کنم.
- بخاطر خشونت خانواده از همه چیز می‌ترسم و نمی‌توانم به هیچ کس حتی به خودم اعتماد کنم.
- خانواده‌ام بارها مرا تحقیر کردند و کتک زدند و به من گفتند که هرزه و نجس هستم. من ترنس‌ام تواف هستم و خانواده‌ام وقتی به هویت جنسیتی من پی بردند به من گفتند خودت را بکش!
- پدرم وقتی فهمید سرم را شکست و سرم بخیه خورد. کبودی‌ها و زخم‌های زیادی روی بدنم دارم.
- عمویم مرا تهدید کرد که اگر از گرایشم دست نکشم مسئولیت جانم برعهده خودم است!

نکته مهمی که خشونت خانگی را حایز اهمیت ویژه می‌سازد این است که ماهیت خشونتی که توسط اعضای خانواده اعمال می‌شود با سایر انواع خشونت متفاوت است. ممکن است فرد برای اجتناب از محیط غیردوستانه یا خصمانه تصمیم به ترک مدرسه، دانشگاه یا محل کار بگیرد. این تصمیم می‌تواند چالش برانگیز باشد، اما ممکن است. برخلاف آن، ترک والدین، اعضای خانواده و محیط خانه و زندگی به ندرت ممکن است. زیرا همه جوانان و نوجوانان از نظر عاطفی و مالی، کم و بیش وابسته به خانواده‌شان هستند. برای جوانان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، ترنس و بیناجنسی، دست‌یابی به استقلال مالی به دلیل مشکلاتی که در به پایان رساندن تحصیل و

دست‌یابی به شغل داریم دارند، می‌تواند یک چالش بزرگ باشد. بسیاری از آن‌ها ترجیح می‌دهند در محیط خشن خانه بمانند و محیط ناپذیرای خانواده‌شان را تحمل کنند زیرا می‌دانند دنیای خارج از خانه، به مراتب سخت‌تر و بی‌رحم‌تر است. برخی از آن‌ها ممکن است تصمیم به فرار از خانه بگیرند. برای کسانی که نتوانند به اندازه کافی درآمد کسب کنند، ترک خانه به معنای بی‌خانمانی است. هیچ آمار رسمی در مورد میزان بی‌خانمانی اقلیت‌های جنسی در ایران وجود ندارد، در ایالات متحده، ۴۰٪ از جوانان بی‌خانمان را اقلیت‌های جنسی تشکیل می‌دهند (گریفس، ۲۰۱۹). در ایران می‌توان نرخ بالاتری را به دلیل عدم وجود قوانین حمایتی برآورد کرد.

جنبه‌های خاص سوءاستفاده و خشونت علیه اقلیت‌های جنسی در خانواده

اقلیت‌های جنسی ممکن است الگوهای مشابهی از خشونت خانگی تجربه کنند. با این حال، برخی موضوعات خاص، تجربه آن‌ها از خشونت را ویژه و منحصر به گروه خودشان می‌سازد که شامل موارد زیر است:

- تهدید به افشای گرایش جنسی یا هویت جنسیتی برای سایر اعضای خانواده، دوستان، همکاران یا پلیس.
- افزایش احساس انزوا به دلیل عواملی مانند عدم پشتیبانی خانواده یا شبکه‌های حمایتی.
- بی‌اعتبارکردن و نادیده گرفتن هویت جنسیتی یا گرایش جنسی فرد.
- محدود کردن یا کنترل دسترسی به فضاها و شبکه‌های حمایتی خاص جامعه رنگین‌کمانی.
- استفاده از کلمات توهین آمیز برای اشاره به جنسیت و هویت فرد.
- سوءاستفاده از احساسات منفی فرد درباره خودش (مانند احساس گناه یا فوبیای درونی شده فرد نسبت به خودش)، برای اثبات این نکته که او سزاوار رفتار خشونت آمیز است.
- قربانی ممکن است به دلیل باور به این که به دلیل وجود هموفوبیا (همجنسگراهراسی) و ترنسفوبیا (ترنس‌هراسی) هیچ‌گونه دادرسی کیفری و کمکی در دسترس او نیست، در برابر خشونت تسلیم گردد یا از ترس فاش شدن گرایش یا هویتش توسط خشونت‌گر، درصدد دریافت کمک برنیاید.

ب) خشونت توسط شریک عاطفی

اقلیت‌های جنسی ممکن است از طرف شریک عاطفی خود با خشونت روبرو شوند. آمار نشان می‌دهد خشونت توسط شریک عاطفی در جامعه اقلیت‌های جنسی به همان میزانی ممکن است رخ دهد که در جامعه سیس جندر/ دگرجنسگرا اتفاق می‌افتد. در یک پژوهش، اقلیت‌های جنسی که مورد مصاحبه قرار گرفتند گزارش دادند که هنگام تلاش برای گزارش خشونت از سوی شریک صمیمی همجنس‌شان، مورد توجه جدی قرار نگرفته‌اند (گزارش موسسه حقوق بشر جورج تاون، ۲۰۱۸).

۱۱٫۲۰ درصد از پاسخ‌دهندگان زمینه‌یابی شش‌رنگ اظهار داشتند که در یک رابطه خشونت‌آمیز هستند. همچنین ۹٫۵۶ درصد از شرکت‌کنندگان اظهار داشتند که در روابط رمانتیک‌شان از خشونت پرهیز نمی‌کنند.

تجربه خشونت از سوی شریک جنسی	فراوانی			
	همیشه	اغلب	گاهی	به ندرت
	۴٫۷۸	۶٫۵۲	۱۴٫۳۴	۲۰٫۴۳

نکات خاصی که در مساله سوء استفاده / خشونت شریک عاطفی اقلیت‌های جنسی باید مورد توجه قرارگیرد:

- شریک خشونت‌گر ممکن است با سوء استفاده از باورهای غلط دگرجنسگرا محورانه‌ی جامعه در مورد تجاوز و خشونت، قربانی را قانع کند که هیچ کس حرف او را باور نخواهد کرد. به عنوان مثال، در رابطه‌ای که یک مرد، شریک مرد خود را مورد آزار قرار می‌دهد؛ شریک خشونت‌گر ممکن است به قربانی بگوید «تویک مرد بزرگسال یا این هیکل هستی! چه کسی باور می‌کند تواز من کتک بخوری؟ احمق نباش و نقش قربانی را بازی نکن! کسی حرفت را باور نمی‌کند!»
- شریک خشونت‌گر ممکن است فرد قربانی را متقاعد کند که سوء استفاده بخشی "عادی" از روابط بین دو همجنس است. به عنوان مثال، توجیه رفتار خشونت‌آمیز جنسی با گفتن اینکه این نوعی سکس «کوییر» و «کینکی» است که همه اقلیت‌های جنسی انجامش می‌دهند.
- شریک خشونت‌گر ممکن است تهدید کند که با پلیس، خانواده یا دوستان فرد قربانی تماس گرفته و گرایش او را افشا میکند.

- شریک خشونتگر ممکن است قربانی را وادار به سکوت کند با این توجیه که افشای خشونت در رابطه، تصویر جامعه رنگین‌کمانی و رابطه همجنس‌ها را در دید دیگران تخریب می‌کند.

- شریک خشونتگر ممکن است با سوء استفاده از وضعیت متزلزل اقامتی فرد قربانی یا وابستگی او به خودش (به طور مثال ویزای همسر/شریک) او را تهدید کند که به کشور مبدا (که میتواند یک کشور ناامن برای اقلیت‌های جنسی باشد) بازگردانده خواهد شد یا برای کمک به حفظ اقامتش، از او باج خواهی کند.

جنبه‌های خاص خشونت خانگی علیه افراد ترنس

- خودداری از دسترسی به داروها یا جلوگیری از درمانی که فرد قربانی برای ابراز هویت جنسیتی اش به آن نیاز دارد (مانند هورمون‌ها یا جراحی).

- شریک خشونت‌گر ممکن است از استفاده از ضمائم صحیح برای اشاره به جنسیت فرد ترنس امتناع ورزد و در مورد پیشینه فرد ترنس بر خلاف میل او با دیگران حرف بزند یا او را تهدید به افشای ترنس بودنش کند.

- شریک خشونت‌گر ممکن است از کلمات تمسخرآمیز برای اشاره به چهره و بدن فرد ترنس استفاده کند (شرمنده سازی بدنی^۵)

- شریک خشونت‌گر ممکن است قربانی را متقاعد کند که هیچ کس او را باور نخواهد کرد زیرا او یک ترنس است.

خشونت در اماکن عمومی

فضاهای عمومی از لحاظ تاریخی میدان نبرد گروه‌های به حاشیه رانده شده بوده است. آزار و اذیت علیه اقلیت‌های جنسی در اماکن عمومی حتی در کشورهایی که قوانین حمایتی جدی در برابر تبعیض در اماکن عمومی وجود دارد، هنوز هم نادر نیست. جای تعجب نیست که خشونت در اماکن عمومی توسط ۵۲٫۲ درصد از پاسخ‌دهندگان پژوهش شش رنگ گزارش شده است. این بدان معناست که پس از اعضای خانواده، غریبه‌ها در اماکن عمومی (مانند حمل و نقل عمومی، تاکسی، مراکز خرید و رستوران‌ها و...) دومین عامل خشونت اجتماعی علیه جامعه اقلیت‌های جنسی در ایران به شمار می‌روند.

^۵ Body shaming

فراوانی					آیا توسط افراد غریبه در فضاهای عمومی مورد آزار قرار گرفته اید؟
هرگز	به ندرت	گاهی	اغلب	همیشه	
۱۳۵	۵۴	۲۳	۱۴	۶	تعداد پاسخگویان
۵۸,۶۹	۲۳,۴۷	۱۰	۶,۰۸	۲,۶۰	درصد پاسخگویان

برای بسیاری از افراد ترنس ، تجربه خشونت در اماکن عمومی به اشکالی نظیر توهین کلامی، تحقیر و حمله فیزیکی به بخشی از روال روزمره زندگی بدل شده است. یک مطالعه در ایالات متحده در سال ۲۰۱۵ که ۲۸۰۰۰ فرد ترنس را مورد پرسش قرار داده بود، میزان «بسیار بالا»ی خشونت علیه آن‌ها را در فضاهای عمومی گزارش داد. تخمین زده می‌شود این نرخ در ایران بالاتر هم باشد، چرا که اساساً قانونی برای حمایت از افراد ترنس وجود ندارد. دولت جمهوری اسلامی ایران سعی دارد با تبلیغات حول مسأله‌ی مجاز بودن جراحی تطبیق جنسیت ، ایران را بهشت ترنس‌ها معرفی کند و بارها ادعا کرده است که شهروندان ترنس می‌توانند آزادانه در ایران زندگی کنند، در صورتی که حتی از تامین حداقل امنیت شهروندان ترنس در فضاهای عمومی نیز سرباز می‌زند.

فراوانی				نوع خشونت گزارش شده در فضاهای عمومی
بندرت	گاهی	اغلب	همیشه	
۳۷,۸۲	۲۱,۷۳	۶,۰۸	۵,۶۵	خشونت کلامی یا فیزیکی
۲۳,۴۷	۱۰	۶,۰۸	۲,۶۰	خشونت جنسی

تجربه خشونت و قلدری توسط گروه همسالان

قلدری در مدرسه علیه کودکان و نوجوانان همجنسگرا، دوجنسگرا، ترنس و بیناجنسی یکی از جدی‌ترین عواملی است که سلامت روان این جمعیت را تهدید می‌کند. طبق مطالعات، تجربه مواجهه با قلدری در بین این دانش‌آموزان، با افکار خودکشی، اقدام به خودکشی و غیبت از مدرسه در ارتباط است (رابینسون و اسپلاژ، ۲۰۱۲).

۴۹٫۱ درصد از پاسخ دهندگان، خشونت را از سوی گروه همسالان از جمله دوستان و همکلاسی‌های خود گزارش دادند؛ در حالی که تنها ۲۶ درصد آن‌ها دوستان یا گروه همسالان خود را حامی توصیف کردند.

در ادامه تعدادی از روایات شرکت‌کنندگان در پژوهش شش‌رنگ درباره تجربه خشونت در گروه همسالان آمده است:

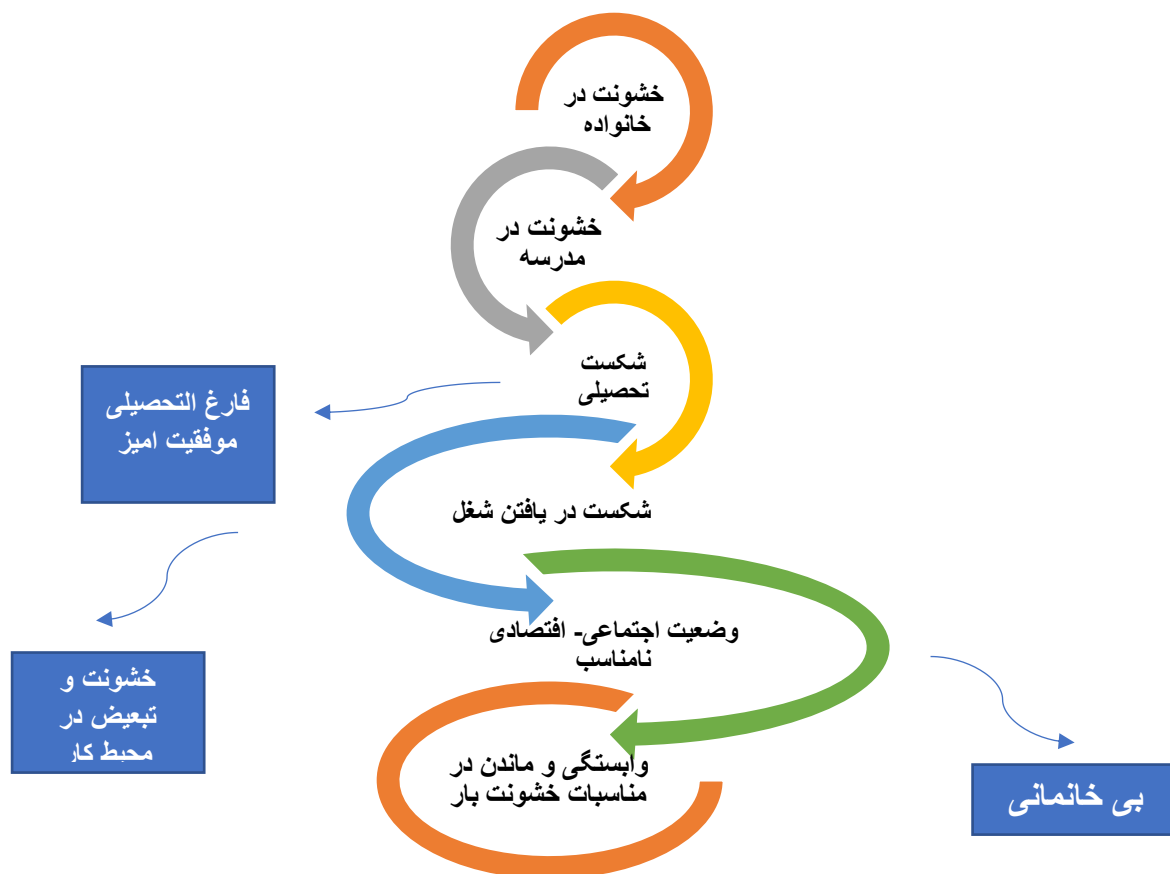
- بهترین دوستم وقتی از علاقه‌ام به او حرف زدم نه تنها از من فاصله گرفت، بلکه به تمام مدرسه (معلم‌ها و همکلاسی‌ها) رازم را گفت. تا مدت‌ها مسخره می‌شدم و همه پشت سرم حرف می‌زدند.
- دوستان من گرایشم را مسخره می‌کنند و به من متلک می‌اندازند.
- هرکس در مدرسه به من نزدیک بشود انگ «همجنس باز» می‌خورد. به همین دلیل همیشه تنها هستم.
- همکلاسی من بارها از کلمات زشت و تحقیرآمیز مانند ابنه‌ای و کونی برای خطاب کردن من استفاده کرد.
- من به دلیل این که بدن ظریفی دارم و مانند بقیه پسرها عضلانی نیستم، توی مدرسه مورد آزار جنسی قرار می‌گیرم.
- دو سه تا از پسرهای شرور و قلدر مدرسه مان هر وقت مرا تنها گیر می‌آورند به بدنم دست می‌زنند. چند بار مرا لخت کرده‌اند و ازم بزور عکس گرفته‌اند و حالا دایم با عکسها مرا تهدید می‌کنند و باج می‌گیرند. یک بار هم یکی از آنها با زور وارد توالت شد و به من تجاوز کرد ولی به دلیل عکس‌هایی که بزور از من گرفته نمی‌توانم به کسی بگویم. کسی حرف مرا باور نمی‌کند و همه خودم را مقصر می‌دانند چون به گمان آن‌ها بقدر کافی مردانه رفتار نمی‌کنم.

فراوانی				نوع خشونت گزارش شده
به ندرت	گاهی	اغلب	همیشه	توسط همسالان
۳۲،۱۷	۲۶،۵۲	۱۶،۹۵	۷،۳۹	کلامی یا فیزیکی
۱۵،۲۱	۹،۱۳	۴،۷۸	۱،۷۳	جنسی

چرخه معیوب خشونت

اقلیت‌های جنسی در ایران، خشونت را در تمام حیطه‌های زندگی خود تجربه می‌کنند. شرایطی که به‌طور معمول منجر به ایجاد یک چرخه‌ی معیوب می‌شود. خشونت دیدن به دلیل هویت و بیان جنسیتی یا تمایلات جنسی از خانه شروع می‌شود و این افراد از طرف اعضای خانواده به شدت سرکوب یا طرد می‌شوند. در مدرسه، قلدری و آزارهای هموفوبیک و ترنسفوبیک را تجربه می‌کنند که بر توان و عملکرد تحصیلی‌شان تأثیر مستقیم دارد. این تبعیض‌ها توسط سایر دانش‌آموزان، معلمان و مسئولان آموزشی اعمال می‌شود و خانواده نیز نه تنها از این دانش‌آموزان در برابر خشونت آموزشی محافظت و حمایت نمی‌کند، بلکه اغلب آن را تایید کرده و تداوم می‌بخشد. به این ترتیب، بسیار محتمل است که اقلیت‌های جنسی نتوانند پیشرفت تحصیلی چشمگیری داشته باشند. بسیاری از آن‌ها ممکن است نتوانند حتی دوره دبیرستان را تمام کنند، افرادی که شانس تحصیلات دانشگاهی را پیدا می‌کنند، همچنان آزار و اذیت، تبعیض و ترس مداوم از افشای هویت جنسیتی یا گرایش جنسی و عواقب اجتماعی و قانونی آن را در دانشگاه و محل کار تجربه می‌کنند.

برای بسیاری از جوانان متعلق به جامعه اقلیت‌های جنسی، به ویژه کسانی که بیان جنسیتی متفاوت و ناهم‌نوا با هنجارهای‌های دوگانه‌ی جنسیتی دارند، فقدان تحصیلات به همراه سایر تبعیض‌های اجتماعی، منجر به دشواری در یافتن و حفظ شغل می‌شود. نداشتن شغل قابل اتکا، آن‌ها را به لحاظ اقتصادی به خانواده‌های خشونت‌گر خود وابسته می‌کند. همچنین نیاز مالی و عاطفی ممکن است آن‌ها را مستعد ماندن در روابط عاطفی/جنسی آسیب‌زایی بکند که در آن احتمال خشونت و سوء استفاده بالاست. حتی کسانی که شانس پیدا کردن شغل را به دست می‌آورند، همچنان شرایطی مانند محیط کار خصمانه و اخراج ناخواسته را ممکن است تجربه کنند. به نظر می‌رسد عدم وجود قوانین حمایتی، عامل اصلی شکل‌گیری و تداوم این چرخه خشونت است که در آن اقلیت‌های جنسی به‌طور سیستماتیک قربانی می‌شوند. ۳۵٪ از پاسخ‌دهندگان به زمینه‌یابی شش‌رنگ، امیدوار به پایان یافتن چرخه خشونت بودند.



استراتژی‌های مقابله با خشونت در بین اقلیت‌های جنسی ایرانی

جدول زیر راهکارهایی را نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان در برابر خشونت به کار می‌گیرند. در حالی که درخواست کمک می‌تواند به عنوان راهکاری سالم در نظر گرفته شود، سکوت، تلافی و رفتارهای خود-آسیب رسان مانند خود زنی یا افکار خودکشی راهکارهای مقابله‌ای ناسازگار است.

این یافته‌ها محدودیت‌های دسترسی اقلیت‌های جنسی را به منابع قابل اتکا برای گرفتن کمک و پشتیبانی نیز نشان می‌دهد. به عنوان مثال، تنها ۱۵٪ از شرکت‌کنندگان به طور دائم به حمایت سیستم قضایی اتکا می‌کنند.

وقتی قانون، خانواده و دوستان عامل خشونت هستند، به نظر می‌رسد سکوت یک راه حل کم هزینه برای جلوگیری از درگیری باشد. با این حال، این راهکار، منجر به احساس قربانی شدن و افزایش حس تسلیم و درماندگی می‌گردد. ۳۶٫۰۸٪ از پاسخ‌دهندگان گزارش دادند که

به دلیل تجربه خشونت، اعتماد به نفس خود را از دست داده‌اند. این نتایج باید توسط متخصصان بهداشت روان که به اقلیت‌های جنسی خدمات سلامت ارایه می‌دهند مورد توجه ویژه قرارگیرد.

فراوانی				راهکار مقابله‌ای
به ندرت	گاهی	اغلب	همیشه	
۲۵,۲۱	۲۴,۳۴	۷,۸۲	۵,۶۵	سکوت
۲۷,۳۹	۳۰,۸۶	۱۴,۷۸	۱۲,۱۷	تلافی کردن
۴۱,۷۳	۱۸,۶۹	۹,۱۳	۴,۳۴	کمک گرفتن از قانون
۲۸,۶۹	۱۳,۴۷	۱۰,۸۶	۱۰	کمک گرفتن از مشاور و روانشناس
۳۱,۳۰	۲۳,۰۴	۱۵,۲۱	۱۰,۴۳	کمک گرفتن از گروه همسالان
۲۱,۳۷	۲۲,۱۷	۱۵,۶۵	۹,۵۶	کمک گرفتن از خانواده
۲۲,۱۷	۲۱,۳۰	۱۸,۲۶	۱۲,۱۷	فکرکردن به خودکشی

نتیجه گیری و توصیه‌ها

نظرسنجی از اعضای جامعه اقلیت‌های جنسی و جنسیتی و تحلیل آن در گزارش حاضر، گستردگی و همه جانبه بودن ابعاد خشونت را که این جامعه تجربه می‌کنند ثابت کرده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که خشونت ساختاری، نه فقط در لایه‌های اجتماعی بلکه توسط نهادهای قضایی علیه همجنسگرایان و ترنسجندرها اعمال می‌شود. تا جایی که حداقل ۶۸ درصد شرکت کنندگان در این تحقیق اظهار داشته‌اند که هرگز یا به ندرت در مواجهه با خشونت از سیستم قضایی کمک نگرفته یا نخواهند گرفت. بیش از ۱۹ درصد پاسخ دهندگان خود قربانی خشونت پلیس یا دستگاه قضایی شده‌اند و ۲۹ نفر گزارش داده‌اند که به دلیل هویت جنسیتی، گرایش جنسی یا بیان جنسیتی‌شان توسط پلیس دستگیر شده‌اند. پس از دستگیری، بیش از ۲۸ درصد آنها مورد خشونت فیزیکی و کلامی و ۱۳ درصد آنها هدف خشونت جنسی قرار گرفته‌اند.

همچنین تقریباً نیمی از پاسخ‌دهندگان، خشونت کلامی، فیزیکی یا جنسی در مدرسه یا دانشگاه را تجربه کرده‌اند. ۱۸ درصد از آن‌ها از تجربه مداوم توهین از سوی مسئولان آموزشی خبر دادند.

با این همه، خانواده جایی است که اعضای جامعه اقلیت‌های جنسی و جنسیتی بیشترین میزان خشونت را در آن تجربه می‌کنند. ۶۲ درصد اقلیت‌های جنسی و جنسیتی از سوی خانواده درجه یک خود مورد یک یا چند نوع خشونت قرار می‌گیرند. نزدیک به ۳۰ درصد آنان خشونت جنسی و بیش از ۷۷ درصد آنان خشونت جسمی را تجربه کرده‌اند. همچنین بیش از ۳۸ درصد آنان برای ازدواج اجباری تحت فشار قرار داشته‌اند. با اتکا بر نتایج این تحقیق، شش رنگ به نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی، نهادهای حمایتی در ایران و همین‌طور رسانه‌ها، توصیه‌های زیر را برای شکسته شدن چرخه خشونت و پایان دادن بر نقض حقوق اقلیت‌های جنسی و جنسیتی قربانی خشونت ساختاری، اجتماعی و خانوادگی ارائه می‌کند:

به نهادهای بین‌المللی:

۱. به جمهوری اسلامی فشار بیاورند تا قوانینی را که رابطه همجنس‌گرایانه و ابراز هویت‌های جنسی متفاوت را جرم می‌دانند، به گونه‌ای تغییر دهد که این قوانین، ابزاری برای اعمال خشونت علیه اقلیت‌های جنسی و جنسیتی نباشند.
۲. جمهوری اسلامی را وادار سازد تا قوانین و ساز و کارهای حمایتی مختص کسانی که به دلیل گرایش جنسی یا هویت جنسیتی خود تحت خشونت قرار می‌گیرند وضع و اجرا کند، و اطمینان یابد که مرتکبان این خشونت‌ها مورد تعقیب و پاسخگویی قرار می‌گیرند.

به سازمان‌های غیردولتی:

۱. برای پایان دادن به جرم‌انگاری رابطه جنسی با همجنس و وضع قوانین حمایتی از قربانیان خشونت بر مبنای گرایش جنسی و هویت جنسیتی تلاش کنند.
۲. منابع و امکانات خاص برای حمایت از قربانیان خشونت بر مبنای گرایش جنسی و هویت جنسیتی در نظر بگیرند.
۳. به خشونت دیدگان خدمات رایگان پزشکی و روانشناسی ارائه دهند که بر مبنای حفظ حقوق بشر و کرامت انسانی آنان باشد.
۴. نسبت به ثبت، مستند سازی و گزارش دهی موارد خشونت علیه اقلیت‌های جنسی و جنسیتی اقدام کنند.

به رسانه‌ها:

۱. نسبت به خشونت گسترده و همه جانبه علیه اقلیت‌های جنسی و جنسیتی حساسیت و توجه در خور نشان دهند و جامعه و مخاطبان خود را با این موضوع و لزوم پایان یافتنش آشنا کنند.
۲. به قربانیان خشونت بر مبنای گرایش جنسی و هویت جنسیتی صدا دهند تا مطالبات خود را در تمامی سطوح از نهادهای دولتی، موسسات آموزشی، جامعه و خانواده مطرح سازند.

Robinson, J. P., & Espelage, D. L. (۲۰۱۲). Bullying Explains Only Part of LGBTQ–Heterosexual Risk Disparities: Implications for Policy and Practice. *Educational Researcher*, ۴۱(۸), ۳۰۹–۳۱۹. <https://doi.org/10.3102/0013189X12450722>

Griffith. D. (۲۰۱۹). LGBTQ youth are at greater risk of homelessness and incarceration. Retrieved from https://www.prisonpolicy.org/blog/2019-07-27/lgbtq_youth/

New report and ad show patchworks of nondiscrimination protections in public accommodations put LGBT people at risk (۲۰۱۸). Retrieved from: <https://www.lgbtmap.org/public-places-at-heart-of-fight-for-lgbt-equality>

US transgender ۲۰۱۵ report. Retrieved from: <http://www.ustranssurvey.org/reports>

Trapped: Cycle of violence and discrimination against Lesbian, Gay, Bisexual and Trans persons in Guyana (۲۰۱۸). Georgetown Law Human Rights Institute. Retrieved from: <https://www.law.georgetown.edu/international-law-journal/wp-content/uploads/sites/21/2019/06/GT-GJIL19-09.pdf>

Mendos, L.R. (۲۰۱۹). *State-Sponsored Homophobia*. International Lesbian, Gay, Bisexual, Trans and Intersex Association (ILGA) annual report, Geneva. March ۲۰۱۹.

Social violence, Encyclopedia on Early Childhood Development, available at: <http://www.child-encyclopedia.com/social-violence/synthesis>

Fatal transgender violence is on the rise, but this group wants to help, CNN, ۲۶ June ۲۰۱۹, Available at: <https://edition.cnn.com/2019/06/26/us/sproj-iyw-anti-violence-project-transgender-violence/index.html>

زخم‌های پنهان

تجربه خشونت بر جامعه اقلیت‌های جنسی و جنسیتی در ایران



شش رنگ
6RANG

شبکه لزیبن‌ها و ترنسجندرهای ایرانی

ارتباط با ما:

-  6rang.iran
-  6rangiran
-  6rangiran
-  iran6rang
-  info@6rang.org

ناشر: شش‌رنگ (شبکه لزیبن‌ها و ترنسجندرهای ایرانی)

سپتامبر ۲۰۲۰ (شهریور ۱۳۹۹)